

مدرنیسم، پست مدرنیسم و حسابداری

محمد آخوندی

کارشناسی ارشد حسابداری، مدیر مالی سازمان آمار و فناوری اطلاعات شهرداری تبریز.
m.akhoundi2221@gmail.com

چکیده

حسابداری در گذار از تاریخ باستان و دوره رنسانس به دوره انقلاب صنعتی و سپس پست مدرنیسم از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. هدف این پژوهش بررسی چگونگی تأثیر مدرنیسم و پست مدرنیسم بر حسابداری و رشد ترقی آن است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی- کیفی بوده و روش آن پسروی دادی (تاریخی) است. نتایج تحقیق نشان میدهد حسابداری مرهون مدرنیسم و پست مدرنیسم است. این دو یک فرصت تاریخی را برای حسابداری فراهم آورده تا ضمن افزایش قدرت حرفه حسابداری، علاوه بر بسط چارچوب های مفهومی به هماهنگ سازی قواعد و استانداردها در سایه جهانی شدن بیانیدشد. حسابداری در بستر تاریخ از گذشته تاکنون در مسیر رشد بوده، در مدرنیته به بلوغ رسیده و در پست مدرنیسم به تکامل تدریجی خود ادامه خواهد داد.

واژگان کلیدی: رشد حسابداری، انقلاب صنعتی، مدرنیسم، پست مدرنیسم.

مقدمه

تاریخ حسابداری را می توان به چهار دوره تقسیم بندی نمود:

- ۱- دوره باستان (تا ۱۴۵۳ میلادی)
- ۲- دوره سرمایه داری تجاری و رنسانس (تا ۱۶۳۷ میلادی)
- ۳- دوره انقلاب صنعتی (موج اول و دوم مدرنیته) (تا ۱۹۸۰ میلادی)
- ۴- دوره پست مدرنیسم (از ۱۹۸۰ تاکنون)

حسابداری در جهان نزدیک به ۶۰۰۰ سال سابقه دارد و تاریخ نخستین مدارک حسابداری کشف شده به ۳۶۰۰ سال قبل از میلاد بر می گردد. کهن ترین مدارک شناخته شده حسابداری لوحهای گلین پرداخت دستمزد مربوط به تمدن سومر در بابل با قدمت ۳۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می باشد و نشان می دهد که حسابداری در ابتدائی ترین شکل آن به منظور پرداخت دستمزد در بابل، مصر باستان و یونان قدیم بکار می رفته است. در تاریخ ایران باستان در تمام سلسله هخامنشی، ساسانی و اشکانی طبقه بندی اجتماعی بر مبنای درآمد مالی صورت می گرفته است و عمل حساب و کتاب به سبب کاهش تجارت نقدی و وجود داد و ستد پایا پای مخصوص دربار بود (گلیجانی، ۱۳۸۰).

از دوران باستان تا اواخر قرون وسطی تنها پیشرفت قابل ذکر در عرصه دانش حسابداری، گسترش دامنه نگهداری حساب برای عملیات گوناگون حکومت ها و اشخاص بود. از اوایل قرن سیزدهم میلادی "دولت- شهرها" و یا "شهر-جمهوری ها" کوچکی خارج از سلطه پادشاهان و خوانین فئودال در ایتالیا کنونی، پا گرفت که فضای سیاسی - اقتصادی مناسبی را برای رشد سوداگری فراهم آورد. با رشد بازرگانی و صنعت و بانکداری در قرون سیزدهم و چهاردهم در تکنیک های نگهداری حساب و دفاتر نیز پیشرفت های مهمی حاصل شد. در اوایل قرن چهاردهم میلادی دو اصطلاح بدهکار و بستانکار که از دو واژه ایتالیایی دادن (dare) و گرفتن (avere) گرفته شده بود کاملاً رایج شد.

پیشرفت جدید در قرن چهاردهم، ابداع شکل دو طرفه حساب بود؛ اما گسترش دفترداری دوطرفه به سراسر اروپا، مرهون انتشار کتاب ریاضیاتی است که "لوکاپاچولی" به سال ۱۴۹۴ میلادی تألیف کرده است (علیمدد و ملک آرای، ۱۳۹۴).

انقلاب صنعتی که در قرن هیجدهم و با اختراع ماشین بخار توسط "جیمز وات" شکل گرفت باعث تحولات اقتصادی وسیعی گردید. اروپای بعد از رنسانس فرهنگی برای نخستین بار مواجه با موج اول مدرنیته (تجدد یا نوین گرایی همراه با پیشرفت) شد که با رهایی از سنت منشأ اومانیزم و لیبرالیسم اولیه گردید. بارزترین عرصه موج اول مدرنیته، قرار گرفتن ماشین در خدمت تولید بود که شیوه تولید را از تولید دستی به تولید کارخانه ای متحول کرد. کارگاه ها به کارخانجات بزرگ با حجم وسیع تولید تبدیل و بنیان رقابت بین واحدهای اقتصادی گذاشته شد. وجود رقابت نیاز به آگاهی از کم و کیف عملیات بوده که نیاز به آگاهی از بهای تمام شده محصول را ایجاب می نمود. در پاسخ به این نیاز نوعی حسابداری متناسب با آن به نام "حسابداری بهای تمام شده" یا "حسابداری صنعتی" یا "هزینه یابی" ابداع گردید (علیمدد و ملک آرای، ۱۳۹۴).

به دنبال انقلاب صنعتی و رشد واحدهای اقتصادی کلان و اجرای طرح های وسیع، نیاز به سرمایه های جدید و کلان نیز مطرح شد. از این رو زمینه پیدایش شرکتهای تجاری فراهم آمد. رشد و توسعه شرکت های سهامی به پیدایش شمار طبقه ای از صاحبان سهام انجامید که در اداره شرکتی که سرمایه گذاری کرده اند، مشارکت مستقیم نداشته، بلکه از طریق هیأت مدیره ای که انتخاب می شود بر امور شرکت نظارت می نمایند (نظریه نمایندگی).

از این رو مدیریت از مالکیت تفکیک و متمایز گردید. سازمان جدید سرمایه، نقش شرکت های تجاری و ایجاد بورس های اوراق بهادار باعث وارد شدن حسابداری به عرصه جدید به نام گزارشگری مالی شد. در پاسخ به این نیاز نهادهای حرفه ای حسابداری شکل گرفت و در اثر موج دوم مدرنیته ناشی از تنوع ابزار و روش ها و تکنیک های حسابداری و بالاخص ورود رایانه به پردازش اطلاعات مالی تحولی عظیم در حسابداری ایجاد و این نهادها ملزم به تدوین استانداردها و مقررات ارائه اطلاعات شدند. قدرت گرفتن نهادهای حرفه ای حسابداری ناشی از موج دوم مدرنیته به سبب تقویت نهادهای حرفه ای اجتماعی است.

با گسست از مدرنیته و ایجاد موج سوم تجدد که از آن به پست مدرنیسم یاد می شود، یک تحول تاریخی در حسابداری روی داده است. به گونه ای که نهادهای حرفه ای حسابداری از تنوع، کثرت، بی سامانی و پراکندگی در حوزه های قدرت استفاده بهینه نموده و ضمن تقویت ساز و کارهای حرفه ای، در جهت همسان سازی استانداردهای گزارشگری اقدام نمودند.

هدف این مقاله به طور خاص بررسی اثرات مدرنیسم و پست مدرنیسم بر رشد و توسعه حسابداری است. ضرورت این بررسی ناشی از شناخت فرصت تاریخی برای دانش و حرفه حسابداری و ارائه طریق برای آینده آن است. این تحقیق درصدد پاسخ به سؤالاتی به شرح زیر است: آیا مدرنیسم و پست مدرنیسم بر رشد و توسعه حسابداری تأثیرگذار بوده است؟ استفاده از ویژگی های مدرنیسم و پست مدرنیسم چگونه می تواند به تقویت نهادهای حرفه ای حسابداری کمک نماید؟ شرایط زمانی مدرنیسم

و پست مدرنیسم تا چه حدی در توسعه روش ها و تکنیک ها و استانداردهای حسابداری مؤثر است؟ مدرنیسم و پست مدرنیسم تا حد می تواند به حرفه در جهت رسیدن به استانداردهای یکنواخت و همسان بین المللی مانند استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی کمک نماید؟ چرا ضرورت دارد که حرفه این فرصت تاریخی را درک نماید؟ پاسخ به سؤالات فوق قطعاً می تواند به درک موقعیت و جایگاه فعلی و آینده حسابداری کمک نموده و زمینه پژوهش های آتی را نیز فراهم آورد. در ادامه به مبانی نظری، پیشینه پژوهش و نتایج حاصل از آن می پردازیم.

مبانی نظری و سوابق پژوهش

مدرنیسم و پست مدرنیسم

کلمه مدرن برای اولین بار در قرن ششم میلادی از ریشه Modernus و به معنی "رایج"، "جاری" و "مرسوم" مطرح و از قرن هفدهم وارد منازعات روشنفکری اروپا شد. واژه مدرنیته نیز که به معنی "تجدد" و "نوین گرایی همراه با پیشرفت" می باشد، از لحاظ ریشه شناسی به کلمات Mode و Fashion مرتبط بوده و مفهوم مدرن این کلمه برای اولین بار در آثار "ژان ژاک روسو" آمده است. شاید نخستین بار "هگل" تحلیل جامعی از انسان مدرن ارائه نمود؛ بنابراین منظور از مدرنیته "نو در برابر کهنه" و "حال در برابر گذشته است". "پل دومان" منتقد ادبی بلژیکی - آمریکایی در مورد مدرنیته می گوید "مدرنیته میل رسیدن به شروع جدیدی است همراه با خواست از میان برداشتن هر آنچه از قبل وجود داشته است" (بابایی، ۱۳۸۶) فلسفه مدرن موجب شکل گیری مدرنیسم (به معنی تجددخواهی) در زمینه ادبیات و هنر شد و موجب ایجاد مدرنیسمیون (به مفهوم نوسازی) در زمینه صنعت و تکنولوژی گردید. آنتونی گیدنز متفکر انگلیسی می گوید که مدرنیته دنیای متفاوت و جدیدی را نمایندگی می کند که بر سه اصل و یا سه شالوده بنا شده است که عبارتند از (دادگر، ۱۳۸۶).

الف- یک نگاه خاص به دنیا؛ یعنی نگاهی که معتقد است که انسان سرور و مالک دنیا است و می تواند در جهان ایجاد دگرگونی کند و به موازات آن یکسری ایده ها و مفاهیم را در فرهنگ سیاسی با خود به همراه آورد و دنیای جدیدی را رقم بزند. این مفاهیم، آزادی، برابری، فردگرایی، لیبرالیسم، خردگرایی و ... هستند. عبارت دیگر اگر بخواهیم از بعد فلسفی مدرنیته را تعریف کنیم برمی گردیم به همان مفاهیم نو مانند انسان گرایی یا نقش فعال و سروری انسان در جهان، استیالی بر طبیعت، ایده ترقی، خرد به عنوان دادگاه شعور بشری، افسون زدائی از جهان و ... که از لحاظ فلسفی همگی به همان عصر روشنگری برمی گردد. به قول متفکر آلمانی "هابرماس" عصر روشنگری سه دستاورد مهم با خود داشته است که عبارت بودند از خردگرایی، فردباوری و سکولاریسم، اما به قول "گیدنز" مدرنیته بیش از یک نگاه فلسفی است و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد.

ب- خصلت دوم مدرنیته مجموعه نهادهای اقتصادی مانند تولید صنعتی و اقتصاد آزاد است که مدرنیته را در این دوران جدید رقم میزند.

ج- خصیصه سوم، مجموعه ای از نهادهای سیاسی، برای ملت- دولت ها است. مدرنیته قدرت دولت را در خصوصی ترین جنبه های زندگی بشری توانا کرد. در پرتو کشفیات علمی در همه قلمروهای مورد علاقه انسان و مخصوصاً تاریخ، باستان شناسی و زبان شناسی عدهای از روحانیون کاتولیک که این کشفیات را با مندرجات کتاب مقدس موافق نیافتند، جسته و گریخته چنین اظهارنظر کردند که بسیاری از مندرجات کتاب مقدس برای بیان حقایق ثابت و پایدار برای همه زمانها و اعصار نیست، بلکه برای احساسات دینی مردمی است که در عصر معینی می زیسته اند و به همین دلیل حقایق دینی نیز مشمول

تحول و پیشرفت های انقلابی علمی است و پا به پای تحولات علمی باید متحول شود. کلیسای کاتولیک با نهضت مدرنیسم به مخالفت برخاست و آن را از قبیل اظهار عدم معرفت خدا دانست و سوء فهم کشفیات علوم جدید خواند. "پاپ پیوس" پنجم (۱۹۷۰) مدرنیسم را حاصل ترکیب همه عقاید ارتدادی و الحادی خواند و پس از آن فکر مدرنیسم در داخل کلیسای کاتولیک از میان رفت.

در کلیساهای پروتستان مدرنیسم نهضت متشکلی نیست بلکه نوعی اظهارنظر و رأی آزاد درباره مسائل دینی است و با لیبرالیسم یا آزادی خواهی دینی مترادف است (مصاحب، ۱۳۳۳). اروپای بعد از رنسانس فرهنگی چند بار با موج تجدد رو به رو شده است:

موج اول: در قرن هیجدهم و با اختراع ماشین بخار توسط "جیمز وات" و انقلاب صنعتی در انگلیس (اومانیزم و لیبرالیسم اولیه و رهایی از سنت شکل گرفت).

موج دوم: لیبرالیسم اولیه باعث ناهنجاری و بحران های اجتماعی شد (ناسازگاری های اجتماعی ناشی از آزادی های بی حد و حصر و تقسیم جامعه به دو قطب غنی و فقیر). لیبرالیسم بی حد و حصر جای خود را به لیبرالیسم محدود و سازمان یافته داد و تا حدودی از آزادی فردی کاسته شد و بر قدرت دولت و اقتدار آن افزوده شد. از شاخصه های این دوره سرمایه داری سازمان یافته، دموکراسی سازمان یافته، انفعال تدریجی فرد و جامعه و قدرت فعالانه دولت است.

موج سوم: پست مدرنیسم یا پسامدرن. در همه حوزه های روابط اقتصادی و اجتماعی، اقتدار دولت و سیاست های اقتصادی و معرفت شناسی و علم، گرایش اساسی به سود، فردگرایی، تنوع، کثرت، بی سامانی و پراکندگی است. این تفکر، پست مدرنیسم نامیده می شود (بشریه، ۱۳۷۸). پست مدرنیسم را با اندیشمندانی همچون جاناتان کالر، ریچارد رورتی، ژان فرانسوا لیوتار، میشل فوکو، پال دومان، ژاک لویدا، ژیل رولوز، فلیکس گتاری، ژان بوردیا، می شناسند. جامعه شناسان برای مدرنیسم چهار ویژگی قائلند (بشریه، ۱۳۷۴):

۱. گسترش و تأثیر علم و فناوری که زمینه ساز انقلاب صنعتی شد که جنبه اصلی آن عقلانی کردن تولید است.

۲. تحرک افزون تر (رشد شهرنشینی و مهاجرت)

۳. بوروکراتیک شدن حکومت ها (ظهور حکومت های مدرن برای راهبری دگرگونی اقتصادی و اجتماعی).

۴. تأکید بر فرد و بسط مفهوم آزادی.

با توجه به مشکلاتی که مدرنیته (در موج اول و دوم) در جهان غرب بوجود آورد، پست مدرنیسم برای رهایی از آن مطرح شد؛ آن هم با شاخصه هایی از قبیل تکثرگرایی در حوزه معرفتی، بازگشت به معنویت، اخلاق و احترام به قرائت های مختلف (بشریه، ۱۳۷۴).

پست مدرنیسم تحت تأثیر اندیشه های "نیچه" تمامی مکتب های فکری و دانش های مدرن را مخرب روح انسانی و ناشی از تسلط منافع معین و جهان بینی معین می داند که موجب رفع مسئولیت و استقلال و شکوفائی انسان شده و بر این باور است که به هیچ نظریه ای نمی توان یقین کرد و هیچ مرزی برای تغییر جهان وجود ندارد (بشریه، ۱۳۷۲).

برخی از اندیشمندان غربی مانند "نیچه"، "میشل فوکو" و "لیوتار" گفته اند که پست مدرنیسم به معنی گسست از مدرنیته است و برخی مانند "هابرماس" معتقدند که پست مدرنیسم به معنای مدرنیته متأخر و یا ادای منطقی مدرنیسم و تکمیل پروژه ناتمام آن است (بشریه، ۱۳۷۸).

کلمه پست مدرنیسم ابتدا در سال ۱۹۱۷ میلادی به وسیله "نوس رورلف با نویتس" فیلسوف آلمانی برای توصیف "هیچ گرایی" به کار گرفته شد. سپس در سال ۱۹۳۹ میلادی و در آثار منتقد ادبی اسپانیایی "فدریکو اونیس" در اشاره به واکنش علیه مدرنیسم ادبی بکار رفت. همچنین در سال ۱۳۳۹ میلادی بوسیله "برنارد ادینگزل" برای به رسمیت شناختن شکل مدرنیسم دنیوی و بازگشت به مذهب و توسط "آرنولد توین" برای ظهور جامعه توده یی بکار رفت. به هر ترتیب این کلمه در دهه اخیر ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی به اوج شهرت رسید. کاربرد این واژه در فلسفه به دهه ۸۰ میلادی بر می گردد. در سال ۱۹۷۵ میلادی "چارلز جنگز" این اصطلاح را برای معماری به کار برد که توسط "دنیل بل" در سال ۱۹۷۶ میلادی مورد نقد قرار گرفت (عضدانلو، ۱۳۹۱).

جدول (۱): ویژگیهای جوامع سنتی و مدرن

پست مدرن	مدرن	سنتی
تنوع و کثرت در همه چیز	افراد و جامعه هریک در یک چیز تخصص دارند و نه همه چیز	جمع تخصص ها در یک فرد یا جامعه
پراکندگی	تراکم جمعیت، صنعت، تولید صنعتی و...	عدم تراکم انسان ها، فعالیت ها و...
هیچ گرایی	نفکر خردمدار و سکولاریسم	تفکر خدامدار
اقتصاد محوری	اقتصاد صنعتی، پیچیده و پویا	اقتصاد طبیعی و سنتی غیر پویا
بازگشت به معنویت و اخلاق و احترام به قرائت های مختلف	فروپاشی سنت ها	حاکمیت سنت ها
مدیریت آزادی های فردی	بسط مفهوم آزادی در همه ابعاد	عدم آزادی فردی
استانداردسازی در تمام ابعاد	یکسان سازی و استانداردسازی	وجود استانداردهای متفاوت
حاکمیت علم و فناوری	استفاده از علم برای بسط تکنولوژی	تقدم تکنولوژی نسبت به علم
کثرت و تنوع و بی سامانی در همه ابعاد	تمرکزگرایی در همه ابعاد	عدم تمرکز
فردگرایی	ملی گرایی	قبیله گرایی
دوره ی مدیریت محیط	دوره کنترل محیط	تسلط محیط بر انسان
تشکیل خانواده های کوچک و منفرد	تشکیل خانواده های کوچک و منفرد	تشکیل خانواده های بزرگ
تولیدات متنوع همراه با توجه به خواست مشتری	دور کوتاه تولید و تولید برحسب سفارش	دور طولانی تولید و تولید سری میلیونها محصول مشابه و استاندارد
مشتری مداری و کیفیت بالا	مشتری مداری	عدم توجه به خواست و نیاز و رضایت مشتری
مدیریت شبکه مدار	مدیریت هرم مدار	مدیریت مهارت مدار
جبران هزینه های زیست محیطی	توجه خاص به عوارض زیست محیطی	بی توجهی به عوارض زیست محیطی
نقش و قدرت بیشتری نهادهای مدنی و حرفه ای	تقویت نهادهای اجتماعی، مدنی و حرفه ای	حاکمیت متمرکز دولت ها
هیچ نظریه ای قابل تعیین نیست	تکثرگرایی و پیدایش نظریات متنوع و جدید بالاخص در حرفه حسابداری	مطلق گرایی در حوزه نظریه
همسان سازی گزارشگری مالی بین المللی	توسعه روش های حسابداری جدید	حسابداری سنتی

پیامدهای محیطی مدرنیسم و پست مدرنیسم

جفری بارکلو فردیت (۱۹۶۴) تحولات اساسی در علم و تکنولوژی، جنبش های ضد امپریالیستی در جهان سوم، تغییر از فردیت به جامعه انبوه، چشم انداز نو به دنیا و اشکال جدید فرهنگ را مشخصات دوره های مدرن و پست مدرن می داند. وجه مشترک جوامع فئودالی (سنتی) نوعی تفکر خدا مدار، اقتصاد طبیعی و حاکمیت سنت غیرپوپا (ایستا) است. نوگرایی (مدرنیسم) پرچم دار خرد مداری، اقتصاد کالایی و جهان گشایی سرمایه داری، فروپاشی سنت و پیدایش جامعه مدنی است. اقتصاد هم به عرصه عمومی وارد می شود و زن بطور جدی و برابر به عرصه اقتصاد وارد می شود؛ می گویند میزان پیشرفت و آزادی را در یک جامعه باید با نگاه کردن به وضعیت زنان آن جامعه دریافت.

مدرنیسم بیشتر نو شدن و تحول در اقتصاد و تکنولوژی و جوانب دیگر جامعه را در نظر دارد. واژه هایی که مدرنیسم در معتقد است که در روزگار مدرن نمی توان آن متجلی گشت علم، هنر، فلسفه و تکنولوژی است. "ماکس وبر" سرمایه داری را صرفاً بعنوان پدیده و مفهومی اقتصادی تلقی نمود.

بسیاری بر این باورند که مدرنیته یعنی پیروزی خرد انسانی بر باورهای سنتی، رشد اندیشه علمی و خرد باوری، افزون شدن دیدگاه فلسفه نقادانه که همه با ساز و کار تازه تولید و تجارت همراهند، شکل گیری قوانین مبادله کالاها و به تدریج سلطه جامعه مدنی بر دولت ها. به این اعتبار مدرنیته مجموعه ای است فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی، اقتصادی و مدیریتی که هرگونه نیروی خارج از ساحت خرد آدمی، نخست بی اعتبار و سپس یکسره انکار می شود.

باور بنیادی به مدرنیسم اعتقاد به استفاده دولت ها از نظریات علمی و اجتماعی و مداخله در کلیه مسائل اجتماعی را ایجاب می نمود و همزمان با رشد نیازهای اقتصادی متعدد انسان ها، بوروکراسی های عریض و طویل با ویژگی های باقیمانده تا امروزه از آن دوران ظهور و گسترش یافت. با گذشت زمان دگرگونی های مختلف در جوامع و در محیط های سازمانی منجر به کمرنگ شدن بسیاری از ارزش های دنیای مدرن شد. کاهش منابع طبیعی، جنگ های خانمان سوز، آلودگی محیطی، جنگ سرد بین ابرقدرت ها، توقعات جدید طرح شده در محیط کار، گرایش های اجتماعی جدید و بروز مسئولیت های اجتماعی متناسب با آن برای سازمان ها و مدیران و سلب شدن تدریجی اعتماد نسبت به نهادهای استقرار یافته، اسباب تضادهای اجتماعی را فراهم آورد.

پیش از انقلاب صنعتی مردم از راه کارآموزی و شاگردی در پیشه ها و صنایع به آن اندازه ماهر می شدند که دیگر نیازی نداشتند که کسی به آنان چگونگی طرح ریزی، سازماندهی و کنترل را آموزش دهد. آنان آنچه را که انجام می دادند دقیقاً آموخته بودند. از سویی دیگر بسیاری نیز به عنوان غلام و برده در خدمت و استثمار اربابان بودند. افراد چرخ دنده های ماشین بودند (بوج و دهنی، ۱۹۹۹).

از دیدگاه جامعه شناسی مدرنیته بر عقلانی سازی ساختار اقتصادی و اداری و تفکیک ساختاری جهان اجتماعی اشاره دارد (ساوجی، ۱۳۸۸).

در گذشته در جوامع صنعتی، تولید انبوه، پیشرفته ترین و کارآمدترین شکل تولید بوده است؛ اما امروزه در جوامع مدرن، تولید، خانواده، بازار کالا و بازار کار نیز به تدریج به اجزاء کوچک تر و متنوع تری تقسیم می شوند. در عصر صنعتی، صنعت مبتنی بر نگرش "دکارتی" بود، بدین معنی که کالاها به قطعات و اجزاء کوچکتر تقسیم و سپس با زحمت زیاد مجدداً روی هم سوار می شوند؛ درحالی که ساخت و تولید در جوامع مدرن "فرادکارتی" یا "کلگرا" می باشد. در جوامع صنعتی، تولید مبتنی بر "دور طولانی" یعنی تولید سری میلیون ها محصول مشابه و استاندارد در هر دور بوده در مقابل، تولید در جوامع مدرن مبتنی بر

"دور کوتاه" یعنی تولید کالاهای نیمه سفارشی یا کاملاً سفارشی است. تحول مهم دیگری که در جوامع مدرن در مدرنیته رخ داد توجه به اهمیت رضایت مشتری است (تافلر، ۱۳۷۷).

بوج و دهنی (۲۰۰۰) پیش مدرن را مدیریت مهارت مدار، مدرن را مدیریت هرم مدار و پست مدرنیسم را مدیریت شبکه مدار می نامند.

از پیامدهای دیگر پست مدرنیسم مخالفت با رشد اقتصادی به بهانه ی ویرانی محیط زیست است. در دهه ۱۹۸۰ دوران تاخت و تاز، رشد و در عین حال دگرگونی پست مدرنیسم آغاز شد؛ تا جایی که در اواخر این دهه زنجیره ای از حرکات خلاق و جدید به وقوع پیوست که به عناوین مختلف پست مدرن نامیده می شد مانند مدرنیسم ساخت گرا و پست مدرنیسم محیط زیستی. پست مدرنیسم درحقیقت شکل جدید سرمایه داری است به نحوی که تولید فرهنگی به شکل فزایندهای جذب تولید کالا می شود.

مدیریت پست مدرنیسم، مؤلفه های مدیریت را به گونه ای دیگر مطرح و تعریف می کند. مؤلفه های برنامه ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل، در مدیریت پست مدرنیسم به ترتیب به صورت نوآوری و ابتکار، سازماندهی فعال، ترغیب، هم آفرینی و خود کنترلی مطرح می شوند (میرسپاسی، ۱۳۸۳).

پیامدهای حسابداری مدرنیسم و پست مدرنیسم

آنتونی گیدنز جهانی شدن را استمرار مدرنیسم می داند. در نگاهی به مبانی نظری جهانی شدن "پان آرت شولتز" جهانی شدن را دارای چهار ویژگی: (۱) سکولاریسم (۲) انسان محور بودن (۳) ابزارگرایی و (۴) تجربه گرایی می داند (یزد خواستی و اسماعیلی، ۱۳۸۵). در بستر ناشی از مدرنیسم است که همگرایی جهانی تشدید شده و میل به تبدیل شدن به یک جهان و یک پرچم تقویت و نهادهای حرفه ای از جمله در حوزه حسابداری تمایل به وضع استانداردهای مالی و گزارشگری واحد را مطرح نموده اند؛ که نمونه بارز آن IFRS (استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی) است. IFRS تاکنون توسط بسیاری از کشورها پذیرفته شده و رعایت آن الزامی شده است. استفاده از این فرصت تاریخی به منزله حرکت حرفه حسابداری به سمت یک دنیا و یک استاندارد واحد حسابداری است. استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی که توسط هیأت استانداردهای حسابداری بین المللی (IASB) تدوین شده به مجموعه ای از استانداردهای حسابداری گفته می شود که به هدف تهیه صورت های مالی شرکت های سهامی در قالب یک استاندارد جهانی ارائه شده است.

با پذیرش IFRS یک شرکت می تواند صورت های مالی خود را با اصول مشابه با شرکت های رقیب خارجی ارائه کند. درنتیجه قابلیت مقایسه بین اطلاعات این شرکت ها در ابعاد جهانی وجود داشته و علاوه بر آن شرکت های مادری که شرکت های تابعه آنها در سایر کشورهایی وجود دارند که IFRS را پذیرفته اند، قادر خواهند بود تا یک زبان مشترک حسابداری داشته باشند. از طرف دیگر IFRS می تواند برای شرکت هایی که قصد سرمایه گذاری خارجی و فعالیت برون مرزی دارند نیز سودمند باشد.

در بستر مدرنیسم و پست مدرنیسم است که چنین فرصت ارزشمند تاریخی برای حرفه حسابداری پیش آمده که باید نهایت استفاده از آن بشود تا از دخالت دولت ها و دیگر مراجع در فرآیند تدوین استانداردها جلوگیری شود. طبق اعلام مؤسسه حسابداری "پیلوت" (۲۰۱۷) تنها ۲۳ کشور IFRS را اجرایی نکرده اند. اگرچه مهم ترین ذینفع استانداردهای بین المللی بازارهای سرمایه دنیا می باشند، اما اجرای این استانداردها منافع زیادی برای دولت ها نیز دارد.

در ایران طبق اعلام سازمان حسابرسی اجرای IFRS برای برخی از شرکت ها و بانک های ایرانی الزامی تشخیص داده شده و بورس اوراق بهادار ایران نیز تأکید بر استفاده شرکت ها از IFRS را دارد که گامی خوب در هماهنگ سازی برای اجرای این استانداردها تلقی می شود. لازم به ذکر است که پذیرش یا عدم پذیرش این استانداردها نیاز به بحث مستقلی دارد که از حیطه این نوشتار خارج است.

از سوی دیگر حرفه ها و مشاغل بزرگ مانند حرفه حسابداری نیاز به رسمی سازی، متمرکز شدن و تخصصی شدن دارد امری که جامعه شناس "ماکس وبر" به آن نظر دارد. در نظریه وی مشاغل بزرگ همانند حکومت کردن و نظارت گسترده، باید رسمی سازی، استاندارد سازی، متمرکز سازی، عادی سازی و تخصصی شود.

در عصر مکاتب اقتصاد در مدیریت (آدام اسمیت، ماکس وبر، فردریک تیلور و التون مایو) مدیریت بر مبنای هدف، استراتژی های مدیریت و سیستم های اطلاعات مدیریت و حسابداری در رابطه با کنترل و یافتن روش هایی برای بازرسی و کنترل به کار گرفته می شدند تا اینکه پیشگامان جدید سازمان ها را به صورت یک کل در نظر گرفتند که بخش هایش از هم جدا نیستند و مهارت ها بالا و چند بعدی، انعطاف پذیری بالا و شامل شبکه های خود طرح ریز است. در این وضعیت طرح اولیه پست مدرنیسم عبارت از آزادی هر گروه زیر فشار و کنترل، به گونه ای که از هرگونه اجبار، ترس و تهدید آزاد شود (بوج و دنهی، ۱۹۹۹).

در دوره مدرن باتوجه به جهان بینی و مشخصه های مدرنیته، تحولات بسیاری در حوزه مدیریت، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... رخ داد. این تحولات سبب شد که هم روش های اندازه گیری و هم نظریه ها و تئوری های زیربنایی این حوزه ها را تحت تأثیر قرار داده و با توجه به اقتضای شرایط دوره مدرن، روش های اندازه گیری و نظریه ها و تئوری های جدید بوجود آید (رهنمای رود پستی و همکاران، ۱۳۹۳)، از این منظر است که رویکرد تدوین استانداردهای حسابداری از بهای تمام شده تاریخی به ارزش منصفانه تغییر یافته است.

پیشرفت سریع و شگرف فناوری همراه با افزایش روز افزون رقابت در بازارهای جهان، مدیران واحدهای اقتصادی را ناگزیر از تولید محصولاتی باکیفیت بالا، ارائه خدمات مطلوب به مشتریان و درعین حال با کمترین بهای تمام شده کرده است. این انتظارات الزامات بیشتری را از لحاظ تأمین اطلاعات مورد نیاز برای سیستم حسابداری ایجاب می کند. از اینرو بسیاری از واحدهای اقتصادی به تدریج از دیدگاه های حسابداری بهای تمام شده سنتی فاصله گرفته و به سمت حسابداری مدرن حرکت نمودند. توجه به تفاوت های بهای تمام شده و حسابداری مدیریت نشان می دهد که ظهور حسابداری مدیریت و تکنیک های آن تحت تأثیر عواملی چون رقابت، جهانی شدن، پیشرفت علم، رویکرد علمی شدن مدیریت و ... است که جملگی از مفاهیم مدرنیته است.

تحت تأثیر مدرنیته و پست مدرنیته است که از اوایل دهه ۸۰ میلادی سازمان ها به این نتیجه رسیدند که برای بقای خود و ارائه خدمات برتر به مشتریانشان بایستی شیوه و فرآیندهای خود را بهبود بخشند و ضمن افزایش مستمر کیفیت، هزینه ها را به نحو قابل ملاحظه ای کاهش دهند.

تفکر ایجاد ارتباط بین هزینه ها و فعالیت ها در دوره مدرنیته (اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی) در آثار "سالومنز" و "استاباس" دیده شده، اما در پست مدرنیته بصورت آکادمیک در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی توسط "کوپر" و "کاپالن" برای تخصیص درست و منطقی قیمت گذاری دقیق تر محصولات تولیدی مطرح شد؛ که منجر به اصلاح روش ABC و ابداع TDABC گردید.

امروزه بسیاری از شرکت ها و سازمان ها که با روش های سنتی حسابداری و تأکید بر عناصر هزینه ای نمی توانند خواسته های خود را برآورده سازند به استفاده از ABB و تأکید بر اهمیت بودجه بندی از طریق فعالیت ها و مراحل آن روی آورده اند. هدف این نظام بودجه بندی ABB نشان دادن ارتباط بین منابعی است که سازمان برای مصرف آنها جهت تولید محصولات برنامه ریزی می کند. به کمک ABB باید بر تولید محصولاتی که موفقیت سازمان را موجب می شوند، تمرکز یافت و سپس با مدیریت منابع سازمان اعم از زمان، پول، نیروی انسانی و غیره منابع بیشتر را به فعالیت هایی اختصاص داد که موجبات آنرا فراهم می سازند.

از دیگر دستاوردهای دوره مدرن و پست مدرن که بعنوان یک رویکرد فلسفی مدیریتی تلقی می شود، مدیریت بر مبنای فعالیت ABM است. در این رویکرد بنگاه اقتصادی به مثابه مجموعه ای از فعالیت های بهم پیوسته در نظر گرفته می شود که فعالیت ها در نهایت باید در خدمت ارزش آفرینی برای مشتریان قرار گیرند. هدف ABM عبارت از پاسخگویی به نیاز مشتریان یا حداقل استفاده از منابع سازمان است. در بودجه بندی سنتی هزینه ها برحسب حوزه های مختلف مسئولیت (دوایر) تفکیک می شوند درحالیکه در رویکرد ABM، ضروری است که هزینه ها برحسب فعالیت ها تفکیک شده و بر این اساس اطلاعات سودمندی درخصوص بازده و نتایج هریک از فعالیت ها و تحلیل و مقایسه هزینه های انجام یافته با نتایج (خروجی های) هریک از فعالیت ها بدست آید.

یکی دیگر از ویژگی های مدرنیته و پست مدرنیته توسعه نظریه های مختلف در حوزه حسابداری است. اساس مدرنیته و پست مدرنیته گسستن از قید و بندهای نظریه کلان یا مطلق گرایی در حوزه نظریه است. نظریه های نمایندگی، بازار کار ... تحول عظیمی در حسابداری ایجاد نموده است. "فرانسوا لیوتار" از صاحب نظران پست مدرنیسم معتقد است که عصر ساختن تئوری یا تئوری های کلان در باب سیاست و جامعه پایان یافته است. به نظر وی عدم دسترسی به یک تئوری مطلق گرای اخلاقی و ارزشی ویژه دوره نوگرایی است.

ابداع نظریه بازی ها، نظریه فازی، مکتب اقتصادی بازار اجتماعی (نفوذ مفاهیم این مکتب در ساختار نظریه های حسابداری زمینه رویکردهای اجتماعی در نظریه های حسابداری شده است)، نظریه حسابداری منابع انسانی و سرمایه فکری، نظریه محدودیت ها، نظریه یادگیری عقل گرایی و ... بیانگر تکثر نظریه ها در سایه مدرنیسم و پست مدرنیسم است. در این دوران نظریه بازی ها و نظریه فازی در مباحث اقتصادی کاربرد گستردهای یافت. مفروضات اصلی نظریه بازی ها، فردگرایی، عقلانیت و ارتباط دو طرفه بین افراد است، به گونه ای که افراد هوشیار و حسابگر هستند و عقلانی رفتار می کنند. در کنار نظریه بازی ها، نظریه فازی کاربرد گسترده ای یافته است. امروزه می توان در تئوری های سازمان مدرن، کاربرد و سلطه دنیای احتمالات و دنیای فازی را بطور گسترده مشاهده نمود (دادگر، ۱۳۸۶).

بحث و نتیجه گیری

پس از وقوع رنسانس فرهنگی در اروپا موج اول در مدرنیته با مضمون نوین گرائی همراه با پیشرفت برای نخستین بار مطرح که ضمن رهایی از سنت، منشأ اومانیزم و لیبرالیسم اولیه شد. آثار مدرنیته به شکل ملی گرایی، افزایش جمعیت، تمرکز قدرت، فردگرایی، خرد باوری، اندیشه ورزی، رشد فن آوری و تکنولوژی، تولید انبوه، تخصصی شدن امور، همگن سازی و استاندارد سازی امور و پدیده ها، انسان محوری، کنترل محیط و تطابق دادن محیط با نیازها و خواسته های انسان، پایان مطلق گرایی در نظریه ها، تکثر نظریه، قدرت گرفتن نهادهای مدنی و حرفه ای و ... ظاهر شد. در این بین حسابداری بعنوان یک سیستم اطلاعاتی اهمیت ویژه ای یافت. به منظور انسجام و وحدت رویه اطلاعات مالی، نهادهای حرفه ای حسابداری شکل قدرتمندتری به خود گرفته و در اثر موج دوم مدرنیته ناشی از تنوع ابزار و روش ها و تکنیک های حسابداری و بالاخص ورود رایانه به پردازش اطلاعات مالی، تحول عظیمی در حسابداری ایجاد و این نهادها ملزم به تدوین استانداردها و مقررات یکسان ارائه اطلاعات شدند. قدرت گرفتن نهادهای حرفه ای حسابداری ناشی از موج دوم مدرنیته به سبب تقویت نهادهای حرفه ای اجتماعی است.

در پرتو جهانی شدن و همگرایی جهانی، تمایل به اتحاد تشکل های حرفه ای حسابداری و تشکیل انجمن بین المللی حسابداری، وضع استانداردهای مالی و گزارشگری واحد که نمونه بارز آن IFRS می باشد پدیدار شد. با عبور از بحران ناشی از مدرنیسم و ایجاد موج سوم تجدد که از آن بعنوان پست مدرنیسم یاد می شود، یک تحول تاریخی در حسابداری پدید آمده، به گونه ای که نهادهای حرفه ای حسابداری از تنوع، کثرت، بی سازمانی و پراکندگی در حوزه های قدرت استفاده بهینه نموده و ضمن تقویت سازوکارهای حرفه ای، در جهت همسان سازی استانداردهای گزارشگری اقدام نمودند.

مدرنیسم و پست مدرنیسم یک فرصت ارزشمند تاریخی برای حرفه حسابداری فراهم نموده که باید نهایت استفاده از آن شده تا از دخالت دولت ها و دیگر مراجع در فرآیند تدوین استانداردها ممانعت بعمل آید. از نتایج این فرصت تاریخی طرح دیدگاه ها و مباحث جدید در حوزه حسابداری از قبیل مدیریت مبتنی بر فعالیت، هزینه یابی مبتنی بر فعالیت، بودجه بندی مبتنی بر فعالیت، هزینه یابی مبتنی بر هدف، هزینه یابی بر مبنای فعالیت مبتنی بر زمان و ... می باشد. الزام به تأمین اطلاعات برای مدیران واحدهای اقتصادی، حسابداری را از رویکرد سنتی جدا و به سمت حسابداری مدرن سوق داده است. توجه به تفاوت های بهای تمام شده و حسابداری مدیریت نشان می دهد که ظهور حسابداری مدیریت و تکنیک های آن تحت تأثیر عواملی از قبیل رقابت، جهانی شدن، پیشرفت علم، رویکرد علمی شدن مدیریت و ... که جملگی از مفاهیم مدرنیته است. در اثر مدرنیته و پست مدرنیته، سازمان ها به منظور بقای خود، به ارائه خدمات بهتر به مشتریان، افزایش مستمر کیفیت، کاهش هزینه و مدیریت هزینه روی آورده اند؛ که متکی بر نظام اطلاعاتی حسابداری است.

بنیان مدرنیسم و پست مدرنیسم گسستن از قید و بندهای نظریه کلان یا مطلق گرایی در حوزه نظریه پردازی است. ظهور نظریه های جدید همچون نمایندگی، بازارکارا و ... تحول شگرفی در حسابداری محسوب می شود. در پایان پیشنهاد می شود که درخصوص اثر مدرنیسم و پست مدرنیسم بر تشکل های حرفه ای حسابداری و نیز اثر این دو بر همگرایی و یکسان سازی استانداردهای حسابداری تحقیق صورت گیرد.

منابع

- ✓ بابائی، پرویز، (۱۳۸۶)، فرهنگ اصطلاحات فلسفه (انگلیسی - فارسی)، ص ۳۰۸.
- ✓ بشیریه، حسین، (۱۳۷۴)، جامعه شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشر نی، چاپ اول.
- ✓ بشیریه، حسین، (۱۳۷۸)، هابرماس: نگرش انتقادی و نظریه تکاملی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۴ - ۷۳، ص ۸.
- ✓ تافلر، الوین، (۱۳۷۷)، موج سوم، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران، نشر فاخته، ص ۲۵۵.
- ✓ دادگر، یداله، (۱۳۸۶)، اقتصاد بخش عمومی، قم، مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید، ص ۴۵۲.
- ✓ دراگر، پیتر، (۱۳۸۰) چالش های مدیریت در سده ۲۱، ترجمه عبدالرضا رضایی نژاد، تهران، نشر فرا، صص ۲۹-۱۵۵.
- ✓ رهنمای رودپشتی، فریدون، بنی مهد، بهمن، میرسعیدی، سیدجعفر، (۱۳۹۳)، مدرنیته و حسابداری مدیریت، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۲.
- ✓ ساوجی، محمد، (۱۳۸۸)، مدرنیته و پسامدرنیته، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۲، ص ۱۷۲.
- ✓ عضدانلو، حمید، (۱۳۹۱)، کانت، مدرنیته و فرا مدرنیته، ماهنامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۷۹-۸۰.
- ✓ علیمدد، مصطفی، ملک آرابی، نظام الدین، (۱۳۹۴)، اصول حسابداری، جلد اول، نشریه شماره ۷۸، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، چاپ ۳۳، تهران.
- ✓ گلیجانی، مهرداد، (۱۳۸۰)، اصول حسابداری، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ✓ گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳)، مدرنیته و هویت فردی، ترجمه امیر قاسمی، مشرق، دوره اول، شماره اول، دی ماه.
- ✓ مصاحب، غلامحسین، (۱۳۳۳)، دائره المعارف فارسی، جلد سوم، صص ۲۷۰-۲۷۲.
- ✓ میرسپاسی، ناصر، (۱۳۸۳)، مدیریت منابع انسانی و روابط کار، تهران، انتشارات میر.
- ✓ یزدخواستی، بهجت، اسماعیلی، علی، (۱۳۸۵)، تحلیل علمی جهانی شدن از منظر جامعه شناسی، مجله علوم انسانی و اجتماعی شمال، سال دوم، شماره دوم، ص ۴۹.
- ✓ Boje, D & Dennehy, R. (2000). The story of postmodern word management.
- ✓ Boje, D & Dennehy, R. (1999). Organizing, managing in the postmodern world.